

آلکسیثیمیا و ارتباط آن با شاخص‌های توانش هیجانی و شکایت از دردهای جسمی در کودکان و نوجوانان

حبیب‌اله نصیری^۱، دکتر مرتضی لطیفیان^۲، دکتر کارولین ریف^۳

Alexithymia and its Relationship with Physical Complaints and Emotional Competency in Children and Adolescents

Habib Nasiri^a, Morteza Latifian^a, Carolien Rieffe^b

Abstract

Objectives: The aim of this investigation was to study alexithymia and its relationship with physical complaints, emotional competency and mood disorders in children and adolescents. **Method:** 593 (308 girls and 285 boys) elementary school children in the city of Shiraz were selected using multi-stage cluster sampling. Participants completed the Alexithymia Questionnaire for Children, Mood List for Children and Somatic Complaint List. The validity of the instruments was determined through calculating correlation between subscales with each other and the total scale, and reliability was determined using Cronbach's alpha. Results indicated a satisfactory and high reliability and validity of the instruments used in this study. Data were analyzed using analysis of variance and regression analysis. **Results:** Alexithymia showed positive association with physical complaints and negative emotions, and negative association with happiness. Gender differences were also significant, and girls had higher scores averages in comparison with boys. **Conclusion:** Difficulty in identifying feelings and external oriented thinking had the highest and lowest predictive powers respectively.

Key words: alexithymia; children; adolescents; emotions; mood disorders

[Received: 11 December 2007; Accepted: 21 July 2008]

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی آلکسیثیمیا در کودکان و نوجوانان و ارتباط آن با مشکلات خلقی، توانش‌های هیجانی و شکایت از دردهای جسمی بود. **روش:** ۵۹۳ نفر (۳۰۸ دختر و ۲۸۵ پسر) از دانش‌آموزان سال آخر دبستان و مدارس راهنمایی شهر شیراز به صورت خوشه‌ای - چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به سه مقیاس آلکسیثیمیایی کودکان، فهرست خلقی کودکان و فهرست شکایت از دردهای جسمی پاسخ دادند. روایی ابزارهای به کار برده شده، با استفاده از روش همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها با هم و با کل مقیاس و پایایی به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج بیانگر بالابودن روایی و پایایی آنها در این بررسی است. داده‌ها به کمک تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون تحلیل شدند. **یافته‌ها:** ابتلا به آلکسیثیمیا با شکایت از دردهای جسمی و هیجان‌های منفی همبستگی مثبت و با شادی همبستگی منفی داشت. تفاوت‌های جنسیتی نیز معنی‌دار بودند، بدین صورت که میانگین نمرات دختران از پسران بیشتر بود. **نتیجه‌گیری:** خرده‌مقیاس اشکال در تشخیص هیجان‌ها دارای بالاترین قدرت پیش‌بینی و خرده‌مقیاس تفکر معطوف به بیرون دارای کمترین قدرت پیش‌بینی است.

کلیدواژه‌ها: آلکسیثیمیا؛ دردهای جسمی؛ مشکلات هیجانی؛ کودکان؛ نوجوانان

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۹/۲۰؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۴/۳۱]

^۱ دانشجوی دوره دکترای روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز، شیراز، میدان ارم، پردیس ارم، مجتمع دانشگاهی دانشگاه شیراز، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، بخش روانشناسی تربیتی. دورنگار: ۰۷۱۱-۲۳۴۹۲۲۵-۲۳۴۹۲۲۵ (نویسنده مسئول). E-mail: h_a_nasiri@yahoo.com. ^۲ دکترای روانشناسی تربیتی، دانشیار دانشگاه شیراز؛ ^۳ دکترای روانشناسی رشد، استاد دانشگاه لیدن هلند.

* Corresponding author: Postgraduate student of Educational Psychology, Shiraz University, Department of Educational Psychology, Shiraz University Complex, Eram Sq., Shiraz, Iran, IR. Fax: +98711-2349225. E-mail: h_a_nasiri@yahoo.com; ^a PhD. in Educational Psychology, Associate Prof. of Shiraz University; ^b PhD. in Developmental Psychology, Professor of Lieden University, Netherlands.

مقدمه

ارزیابی این اختلال در کودکان هنوز در آساز راه است (بلسما و همکاران، ۲۰۰۷). برای نمونه مقیاس آلکسیثیمیا برای کودکان^{۲۵} (ASC) (فوکونی شی و همکاران، ۱۹۹۸) برای ارزیابی این اختلال در کودکان سال‌های اول تا ششم دبستان به کار برده شد. این مقیاس توسط پدران و مادران یا آموزگاران تکمیل می‌شود و دارای ۱۲ گویه است. نسخه ژاپنی آن از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بوده، اما روایی و پایایی نسخه انگلیسی آن هنوز بررسی نشده است. مقیاس سنجش آلکسیثیمیا کودکان^{۲۶} (CAM) نیز در آمریکا برای ارزیابی این اختلال در کودکان در حال ساخت است. این مقیاس برای کودکان انگلیسی زبان شش تا ۱۴ ساله ساخته شده که به وسیله پدر یا مادر، مراقبان یا مربیان او پر می‌شود و دارای ۳۲ گویه است (ریف و همکاران، ۲۰۰۶).

به طور خلاصه، بیشتر بررسی‌های انجام شده در زمینه آلکسیثیمیا، روی بزرگسالان و نوجوانان بوده است (بلسما و همکاران، ۲۰۰۷). هدف پژوهش حاضر، بررسی علایم و میزان شیوع آلکسیثیمیا در کودکان و نوجوانان، هم‌چنین بررسی رابطه این اختلال با توانش‌های هیجانی و احساس نگرانی بود، تا با شناساندن و معرفی آلکسیثیمیا در ایران، برخی از علایم آن بررسی شود. تلاش شده است با توجه به ادبیات پژوهشی موجود، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱- میزان شیوع اختلال‌های خلقی و شکایت از دردهای جسمی در کودکان و نوجوانان چه قدر است؟ ۲- آیا میان آلکسیثیمیا و مشکلات خلقی و شکایت از دردهای جسمی رابطه وجود دارد؟ ۳- آیا جنسیت می‌تواند به عنوان یک متغیر تأثیرگذار، میان دو جنس در متغیرهای مورد بررسی، تفاوت ایجاد نماید؟ ۴- قدرت پیش‌بینی خرده‌عوامل آلکسیثیمیا برای شاخص‌های سلامت هیجانی و شکایت از دردهای جسمی در دو گروه دختر و پسر و در کل آزمودنی‌ها چگونه است؟

آلکسیثیمیا^۱ به صورت نارسایی‌هایی در توانایی تشخیص، درک و فهم و ابراز هیجان‌ها و احساسات تعریف شده است. رشد توانش هیجانی^۲ در کودکان و ارتباطی که با آلکسیثیمیا دارد، سبب شکل‌گیری رویکرد پژوهشی نوینی برای شناسایی آسیب‌شناسی اختلال‌های بالینی (مانند اختلال‌های کلامی و مشکلات هیجانی) و درمان آن‌ها شده است (بلسما، وی^۳، ون‌مت^۴ و بلک‌پوند^۵، ۲۰۰۷). برخی نظریه‌پردازان بر این باورند که آلکسیثیمیا پیامد یک ضربه شدید روانی یا تروما^۶ است؛ بدین صورت که تروما سبب ایجاد تغییراتی در مغز و شکل‌گیری آلکسیثیمیا می‌شود (کریستال^۸، جیلر^۱ و سیجی^{۱۱}، ۱۹۸۶). آلکسیثیمیا هم‌چنین دربرگیرنده نارسایی و ناتوانی در جدا کردن احساسات بدنی است که ممکن است منشأ هیجانی داشته یا ناشی از آسیب به تخیلات ذهنی و یا شیوه‌های شناختی بیرونی^{۱۱} باشد (هاویلند^{۱۲} و ریس^{۱۳}، ۱۹۹۶). این سازه به این دلیل که یک عامل اساسی در اختلال‌های پزشکی و مرتبط با سلامتی است، در بزرگسالان به صورت گسترده بررسی شده است (باگی^{۱۴}، پارکر^{۱۵} و تایلور^{۱۶}، ۱۹۹۴)، ولی با وجود این که اختلال یادشده نوعی مشکل شخصیتی است که در کودکان هم دیده می‌شود، در کودکان بسیار کم بررسی شده است. بررسی این اختلال در کودکان، می‌تواند دانش ما را در زمینه فرآیند رشد آن در جریان زندگی افزایش دهد (ریف^{۱۷}، اوستروولد^{۱۸} و میرام^{۱۹}، ۲۰۰۶). ریف و همکاران (همان‌جا) بر این باورند که با وجود اهمیت بررسی این موضوع در کودکان، تنها دو مطالعه در این زمینه انجام شده است؛ یکی پژوهشی است در ژاپن که طی آن پرسش‌نامه‌ای برای سنجش آلکسیثیمیا در کودکان ساخته شده و توسط معلمان تکمیل می‌شود (فوکونی شی^{۲۰}، یوشیدا^{۲۱} و ووغان^{۲۲}، ۱۹۹۸). دیگری پژوهشی است که در آن برای ارزیابی این اختلال، یک مقیاس خودسنجی ساخته شده است (ریف و همکاران، ۲۰۰۶). آلکسیثیمیا بسک اختلال روانپزشکی نیست و در چهارمین دستنامه تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^{۲۳} (DSM-IV-TR) (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۰) نیز ذکر نشده است. به لحاظ نظری گمان می‌رود آلکسیثیمیا با رفتارهای خشن نوجوانان ارتباط داشته باشد (مارهون^{۲۴}، ۱۹۹۲)، به نقل از بلسما و همکاران، (۲۰۰۷)، ولی این ارتباط به صورت تجربی در کودکان و نوجوانان بررسی نشده است.

- | | |
|--|-------------------------|
| 1- alexithymia | 2- emotional competence |
| 3- Yelsma | 4- Way |
| 5- Van Mete | 6- Black-Pond |
| 7- trauma | 8- Krystal |
| 9- Giller | 10- Cicchetti |
| 11- external cognitive style | 12- Haviland |
| 13- Reise | 14- Bogby |
| 15- Parker | 16- Taylor |
| 17- Rieffe | 18- Oosterveld |
| 19- Meerum | 20- Fukunishi |
| 21- Yoshida | 22- Wogan |
| 23- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 4th. edition, Text Revision | |
| 24- Marhun | |
| 25- Alexithymia Scale for Children | |
| 26- Children Alexithymia Measurement Scale | |

روش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود و در آن ۵۹۳ دانش‌آموز (۳۰۸ دختر و ۲۸۵ پسر) کلاس پنجم ابتدایی و مقطع راهنمایی به صورت خوشه‌ای-چندمرحله‌ای از مدارس آموزش و پرورش ناحیه دو شیراز انتخاب شدند و به پرسش‌نامه تهیه شده پاسخ دادند. میانگین و انحراف سن این آزمودنی‌ها به ترتیب ۱۲/۲ و ۱/۲۸ سال بود. پیش از شرکت دانش‌آموزان در پژوهش موافقت آنان و مسئولان مدرسه جلب شد.

برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر بهره گرفته شد:

مقیاس آلکسیتمیا برای کودکان (ASC): ریف و همکاران (۲۰۰۶) بر پایه مقیاس آلکسیتمیای بزرگسالان که توسط باگی و همکاران (۱۹۹۴) تهیه شده، یک مقیاس ۲۰ گویه‌ای برای ارزیابی این سازه در کودکان ساخته‌اند که در آن سه عامل مورد بررسی قرار می‌گیرد: الف) نارسایی و ناتوانی در شناسایی هیجان‌ها (هفت گویه، مانند اغلب در مورد احساساتم سردرگم هستم)، ب) نارسایی و ناتوانی در بیان هیجان‌ها (پنج گویه، مانند بیان احساسی که نسبت به دیگران دارم، برایم دشوار است) و ج) تفکر معطوف به بیرون (هشت گویه، مانند هنگامی که برای فهمیدن داستان یک فیلم، به دقت آن را تماشا می‌کنم، کمتر از تماشای آن لذت می‌برم). پس از تهیه این مقیاس و به دست آوردن مجوز لازم برای بهره‌گیری از آن در ایران، کل مقیاس از زبان انگلیسی به زبان فارسی ترجمه و سپس این ترجمه توسط یکی از دانشجویان ایرانی دوره دکتری روانشناسی رشد دانشگاه لیدن، به زبان هلندی و انگلیسی برگردانده شد و در نهایت پس از ویرایش لازم و گنجاندن پیشنهادها داده شده توسط سازنده مقیاس، نسخه نهایی تهیه شد. گویه‌های ۶، ۱۳ و ۱۴ همان گویه‌های مقیاس بزرگسالان هستند، ولی سایر گویه‌ها برای درک آسان‌تر توسط کودکان به زبان ساده برگردانده شدند. به پرسش‌های این مقیاس به کمک سه گزینه درست (۳)، کمی درست (۲) و نادرست (۱) پاسخ داده می‌شود. ریف و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی تحلیل عاملی این مقیاس بر روی دو گروه بزرگ آزمودنی با سنین متفاوت، از ساختار سه عاملی این مقیاس حمایت نمودند، ولی عامل سوم، یعنی تفکر معطوف به بیرون، از بار عاملی بالایی برخوردار نبود و روایی پایینی داشت. دو عامل دیگر می‌توانستند به خوبی شکایت از دردهای جسمی در کودکان را پیش‌بینی نمایند و بنابراین از ضریب روایی پیش‌بین مطلوبی برخوردار بودند. همسانی درونی و تجانس گویه‌ها نیز مطلوب گزارش شد: ضریب

آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و همبستگی درونی میان گویه‌ها حدود ۰/۴۰ بود.

فهرست خلقی برای کودکان^۱ (M.I.C): این مقیاس برای بررسی چهار حالت خلقی کودکان، یعنی شادی، خشم، غم و ترس به کار برده شده است (ریف، میرام‌تروگت^۲ و بوش^۳، ۲۰۰۴؛ ریف و همکاران، ۲۰۰۶). این مقیاس ۲۰ گویه دارد که با سه گزینه اغلب (۳)، گاهی (۲) و به ندرت (۱) پاسخ داده می‌شود. یک نمونه از گویه‌های این مقیاس عبارت است از: «من..... احساس می‌کنم عصبانی هستم».

فهرست شکایت‌های جسمی^۴ (SCL): این مقیاس از ضرایب همسانی درونی و روایی سازه مطلوبی برخوردار و دارای ۱۱ گویه است (ریف و همکاران، ۲۰۰۴؛ ریف و همکاران، ۲۰۰۶). با استفاده از سه گزینه اغلب (۳)، گاهی (۲) و به ندرت (۱) به این مقیاس پاسخ داده می‌شود. یک نمونه از گویه‌های این مقیاس عبارت است از: «من..... احساس سردرد می‌کنم» دو گویه دارای جمله‌بندی منفی، به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

برای تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون بهره گرفته شد.

یافته‌ها

از ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی و از محاسبه همبستگی میان خرده‌مقیاس‌ها با یکدیگر و با نمره کل مقیاس برای سنجش روایی بهره گرفته شد:

الف) مقیاس آلکسیتمیا برای کودکان: ضرایب آلفای این مقیاس در دامنه ۰/۲۴ تا ۰/۶۴ به دست آمد. دو خرده‌مقیاس «نارسایی در بیان و توصیف هیجان‌ها» و «نارسایی در ابراز هیجان‌ها» از ضرایب آلفای مناسب و مطلوبی برخوردار بودند، اما در خرده‌مقیاس سوم (تفکر معطوف به بیرون) این ضریب پایین بود (۰/۲۱). همه ضریب‌های به دست آمده برای روایی نیز معنی‌دار و به جز خرده‌مقیاس سوم، بقیه خرده‌مقیاس‌ها از روایی مطلوبی برخوردار بودند.

ب) فهرست خلقی برای کودکان: ضرایب آلفا برای هر چهار خرده‌مقیاس این پرسش‌نامه دامنه‌ای بین ۰/۵۶ و ۰/۷۴ داشت. نتایج به دست آمده گویای مطلوب بودن ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس بود. در روایی نیز تمام خرده‌مقیاس‌ها به جز خرده‌مقیاس شادی، از ضریب بالا و مناسبی برخوردار بودند. از آن‌جا که سه خرده‌مقیاس

دیگر، هیجان‌های منفی (مانند ترس، خشم و غم) را ارزیابی می‌کنند، طبیعی است که شادی که یک هیجان مثبت است، همبستگی پایینی با آن‌ها داشته باشد. داده‌های توصیفی هر یک از متغیرها در جدول ۱ آورده شده است. ماتریس همبستگی میان متغیرها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرها (n=۵۹۳)

مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	ضریب آلفای کرونباخ	همبستگی با کل مقیاس
اشکال در بیان هیجان‌ها	۱۲/۰۱	۲/۵۳	۷	۱۹	۰/۶۴	۰/۱۸۲
اشکال در توصیف هیجان‌ها	۱۸/۱۲	۲/۸۳	۹	۲۷	۰/۴۷	۰/۱۵۸
تفکر معطوف به بیرون	۶/۸۸	۱/۴۰	۴	۱۱	۰/۲۴	۰/۲۰
شادی	۱۲/۸۴	۳/۴۵	۸	۲۴	۰/۷۴	۰/۳۰
غم	۷/۴۵	۱/۹۹	۴	۱۲	۰/۶۱	۰/۱۵۳
خشم	۶/۲۸	۲/۰۸	۴	۱۲	۰/۷۱	۰/۱۵۲
ترس	۶/۵۲	۱/۸۵	۴	۱۲	۰/۵۶	۰/۱۵۳
شکایت‌های جسمی	۱۸/۳۸	۳/۰۴	۱۲	۲۹	۰/۵۱	۰/۱۵۱
آلکسییا	۴۰/۲۶	۵/۳۰	۲۵	۵۶	--	--
خلق و خو	۳۸/۱۰	۴/۱۲	۲۸	۵۲	--	--

جدول ۲- ماتریس همبستگی میان متغیرها (n=۵۹۳)

خرده‌مقیاس‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- شکایت از دردهای جسمی							
۲- غم و اندوه	۰/۳۴**						
۳- ترس و وحشت	۰/۲۷**	۰/۳۸**					
۴- خشم	۰/۲۵**	۰/۳۲**	۰/۳۷**				
۵- شادی	-۰/۱۵**	-۰/۱۰**	-۰/۳۶**	-۰/۴۱**			
۶- تفکر معطوف به بیرون	۰/۰۱	۰/۱۱**	۰/۱۱**	۰/۰۴	-۰/۱۶**		
۷- اشکال تشخیص هیجان‌ها	۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۲۲**	۰/۲۰**	-۰/۱۴**	۰/۱۵**	
۸- اشکال در توصیف هیجان‌ها	۰/۲۳**	۰/۴۰**	۰/۲۹**	۰/۲۸**	-۰/۲۹**	۰/۰۸*	۰/۳۵**

* p<۰/۰۵ ; ** p<۰/۰۱

دختر، پسر و کل آزمودنی‌ها به کار برده شد. البته برای مشخص شدن پایه نظری این تحلیل آماری، نخست ضریب همبستگی این متغیرها با یکدیگر به دست آمد. نتایج این تحلیل‌ها در جدول‌های ۳ و ۴ آورده شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند میان «نارسایی در تشخیص هیجان» و شاخص‌های سلامت هیجانی بالاترین میزان همبستگی و میان «تفکر معطوف به بیرون» و متغیرهای سلامت هیجانی پایین‌ترین میزان همبستگی وجود دارد.

نتایج رگرسیون چندمتغیره در جدول ۵ آورده شده است که پس از تحلیل مسیر، برای آسان شدن فهم یافته‌ها، نتایج نهایی در سه گروه دختر، پسر و کل آزمودنی‌ها در شکل‌های ۱، ۲ و ۳ نشان داده شده‌اند. گفتنی است مسیرهای غیرمعنی‌دار در این شکل‌ها حذف شده‌اند.

برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی در اختلال‌های خلقی، آلکسیتمیا و شکایات جسمانی، روش تحلیل واریانس یک‌طرفه به کار برده شد. همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، بین آزمودنی‌های دختر و پسر در هر سه اختلال (آلکسیتمیا، اختلال‌های خلقی و شکایت از دردهای جسمی) تفاوت معنی‌دار دیده می‌شود. بنابراین، جنسیت در این رابطه یک متغیر تأثیرگذار بود، به‌صورتی که میانگین هر سه اختلال در دختران بالاتر از پسران بود.

برای بررسی قدرت پیش‌بینی خرده‌عوامل آلکسیتمیا در زمینه شاخص‌های توانش هیجانی و شکایت از دردهای جسمی، از رگرسیون چندمتغیره به‌شیوه هم‌زمان استفاده شد. در این الگو، متغیر آلکسیتمیا و سه خرده‌عامل آن به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و شادی، ترس، خشم، غم و شکایت از دردهای جسمانی به‌عنوان متغیرهای ملاک در آزمودنی‌های

جدول ۳- ضرایب همبستگی میان خرده‌مقیاس‌های آلکسیتمیا با حالت‌های خلقی و شکایت از دردهای جسمی به تفکیک جنسیت (n=۲۹۸)

دردهای جسمی	خشم	ترس	غم و اندوه	شادی		
اشکال در تشخیص هیجان‌ها	۰/۲۴**	۰/۳۱**	۰/۳۸**	-۰/۲۹**	دختر	
	۰/۲۶**	۰/۲۹**	۰/۴۱**	-۰/۲۳**	پسر	
اشکال در توصیف هیجان‌ها	۰/۱۵	۰/۲۱**	۰/۲۰**	-۰/۱۸**	دختر	
	۰/۱۶**	۰/۱۳*	۰/۲۸**	-۰/۲۴**	پسر	
تفکر معطوف به بیرون	-۰/۰۸	۰/۱۶**	۰/۰۶	-۰/۱۹**	دختر	
	-۰/۱۴*	۰/۰۳	۰/۰۲	-۰/۱۱	پسر	

* p<۰/۰۵; ** p<۰/۰۱

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس یک طرفه روی فهرست خلقی برای کودکان، فهرست شکایت‌های جسمی و مقیاس آکسیتیمیا برای کودکان در دانش‌آموزان دختر و پسر

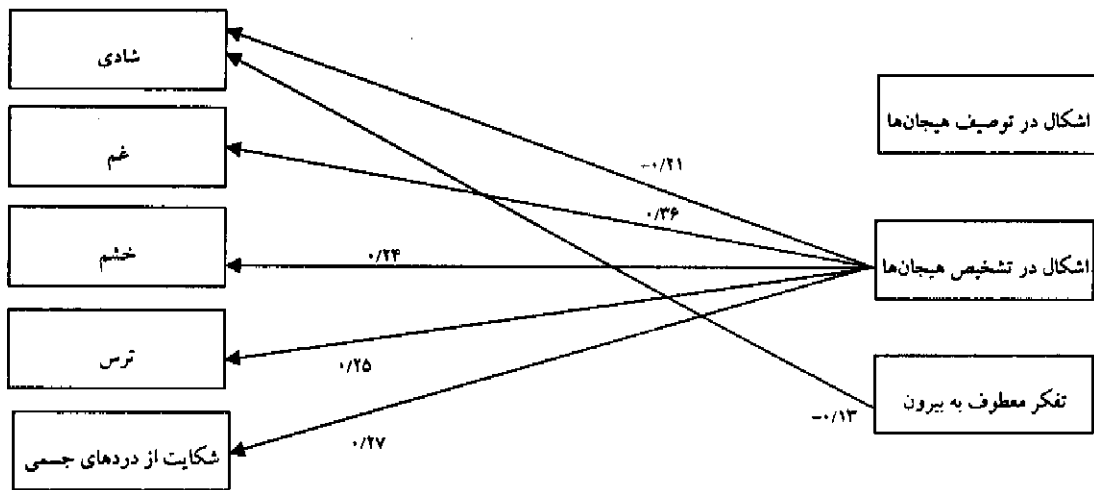
خرده‌مقیاس‌ها	منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
آکسیتیمیا	بین گروهی	۲۶۶/۰۷	۱	۹/۵۷	۹/۵۷	۰/۰۰۲
	درون گروهی	۱۶۴۲۴/۸۹	۵۹۱	۲۷/۸۹		
	کل	۱۶۶۹۰/۹۶	۵۹۲			
حالت‌های خلقی	بین گروهی	۲۱۸/۱۶	۱	۲۱۸/۱۶	۱۳/۱۱	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۹۸۳۰/۹۳	۵۹۱	۱۶/۶۳		
	کل	۱۰۰۴۹/۰۹	۵۹۲			
شکایت‌های جسمی	بین گروهی	۱۵۷/۷۴	۱	۱۵۷/۷۴	۱۷/۵۲	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۵۳۱۸/۸۲	۵۹۱	۹/۰۰		
	کل	۵۴۷۶/۵۶	۵۹۲			

جدول ۵- رگرسیون همزمان سه خرده‌مقیاس آکسیتیمیا با شاخص‌های حالت‌های خلقی و شکایت از دردهای جسمی در پسران، دختران و کل آزمودنی‌ها

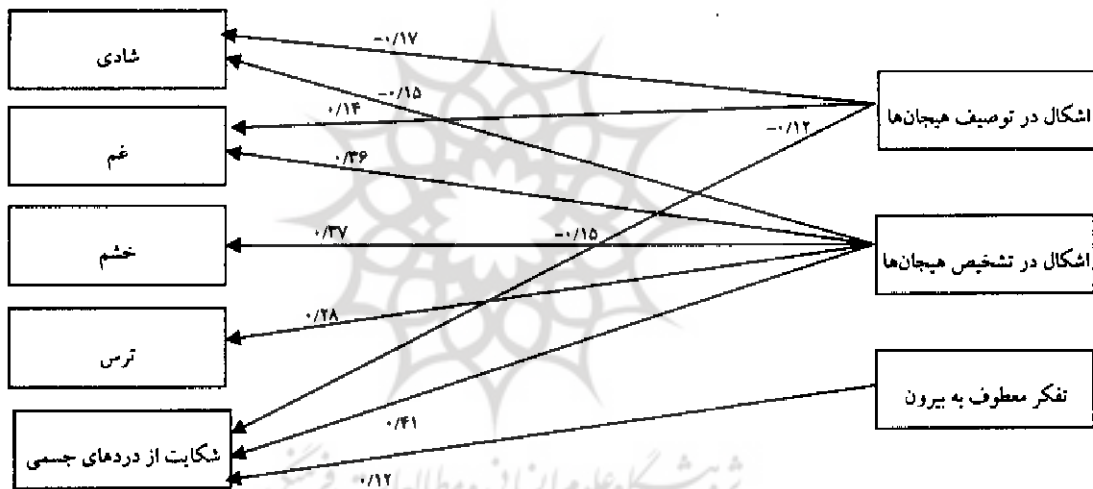
	کل			دختر			پسر		
	R ²	t	β	R ²	t	β	R ²	t	β
شادی		-۴/۲۹***	-۰/۱۸		-۳/۳۳***	-۰/۲۱		-۲/۵۹**	-۰/۱۵
	۰/۰۸	-۲/۵۶**	-۰/۱۱	۰/۰۹	-۰/۹۳	-۰/۰۵	۰/۰۵	-۲/۷۹**	-۰/۱۷
		-۲/۵۴**	-۰/۱۰		-۲/۳۳*	-۰/۱۳		-۱/۱۲	-۰/۰۶
غم		۹/۲۸***	۰/۳۸		۶***	۰/۳۶		۶/۳۵***	۰/۳۶
	۰/۱۸	۲/۱۴*	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۷۴	۰/۰۴	۰/۱۶	۲/۳۹**	۰/۱۴
		-۱/۰۱	-۰/۰۳		-۰/۵۰	۰/۰۲		-۰/۶۱	-۰/۰۳
خشم		۶/۹۵***	۰/۳۰		۳/۷۶***	۰/۲۴		۶/۳۷***	۰/۳۷
	۰/۱۰	۱/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۷۹	۰/۰۵	۰/۱۶	۱/۰۸	۰/۰۶
		-۰/۵۸	-۰/۰۲		-۱/۵۰	-۰/۰۸		۰/۸۲	۰/۰۴
نرس		۶/۱۸***	۰/۲۹		۴/۱۰***	۰/۲۵		۴/۷۲***	۰/۲۸
	۰/۱۰	۱/۲۰	۰/۰۵	۰/۱۱	۱/۳۰	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۲۴	۰/۰۱
		۰/۸۲	۰/۰۳		۱/۴۶	۰/۰۸		۰	۰
شکایت از دردهای جسمی		۸/۲۷***	۰/۳۵		۴/۲۷	۰/۲۷		۷/۰۰۲***	۰/۴۱
	۰/۱۱	-۲/۲۳*	-۰/۰۹	۰/۰۶	-۱/۲۱	-۰/۰۷	۰/۱۶	-۲/۱۴*	-۰/۱۲
		۱/۵۵	۰/۰۶		۰/۵۹	۰/۰۳		۲/۳۲*	۰/۱۲

۱- اشکال در تشخیص هیجان‌ها؛ ۲- اشکال در توصیف هیجان‌ها؛ ۳- تفکر معطوف به بیرون

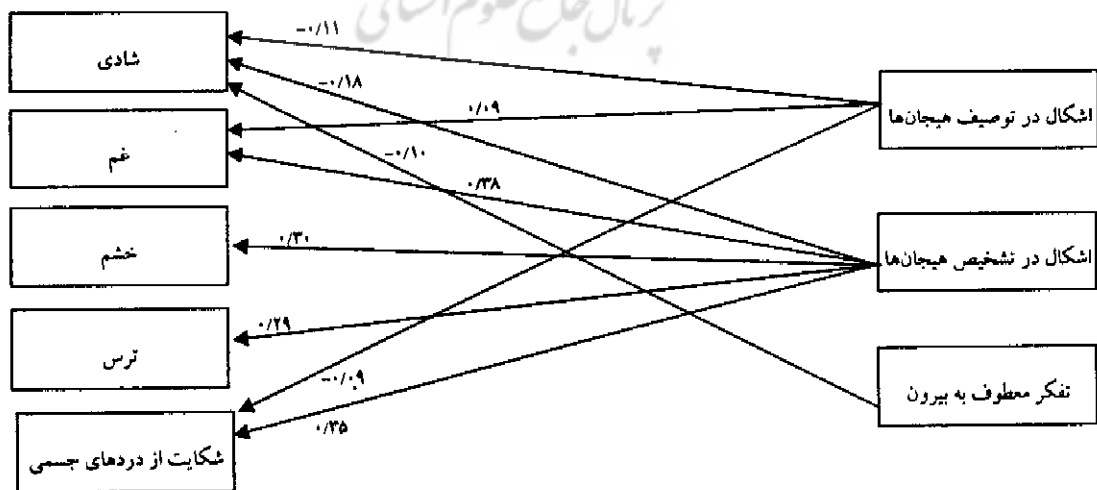
* p<۰/۰۵؛ **p<۰/۰۱؛ ***p<۰/۰۰۱



شکل ۱- رگرسیون همزمان آکسیتیمیا از روی متغیرهای حالت‌های خلقی و شکایت از دردهای جسمی در دختران



شکل ۲- رگرسیون همزمان آکسیتیمیا از روی متغیرهای حالت‌های خلقی و شکایت از دردهای جسمی در پسران



شکل ۳- رگرسیون همزمان آکسیتیمیا از روی متغیرهای حالت‌های خلقی و شکایت از دردهای جسمی در کل آزمودنی‌ها

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط آلکسیثیمیا با شاخص‌های سلامت هیجانی و شکایت از دردهای جسمانی در کودکان و نوجوانان بود. در زمینه موضوع «آلکسیثیمیا در کودکان و نوجوانان»، بررسی‌های زیادی انجام نشده (ریف و همکاران، ۲۰۰۶؛ یلسما و همکاران، ۲۰۰۷) و تنها در سال‌های اخیر تلاش‌هایی در راستای ساخت ابزارهای مناسب برای ارزیابی این اختلال انجام شده است. درباره این اختلال در بزرگسالان بررسی‌های بسیاری انجام شده، و جنبه‌های گوناگون آن، عوامل تأثیرگذار بر آن و یا عوامل مرتبط با آن مورد کنکاش قرار گرفته‌اند. ریف و همکاران (۲۰۰۶) بر این باورند که می‌توان با ساخت ابزار مناسب، این اختلال را در کودکان و نوجوانان نیز تشخیص داد. در پیشینه پژوهشی موجود، نقطه برشی برای کودکان گزارش نشده است، از سوی دیگر نمرات یک مقیاس خودسنجی نمی‌تواند به تشخیص دقیق اختلالی که اطلاعات زیادی درباره آن وجود ندارد، بیانجامد. همان‌گونه که بیان شد از این اختلال در DSM-IV-TR و در نسخه‌های پیشین آن، نامی برده نشده و برای تشخیص آن به روش‌های دیگری (مانند مصاحبه بالینی) نیز نیاز است (تابلور، ۲۰۰۰)، پس نمی‌توان با این پژوهش درباره میزان و نرخ شیوع آلکسیثیمیا در کودکان و نوجوانان مورد بررسی قضاوت نمود.

یافته‌ها نشان می‌دهند این اختلال با شکایت از دردهای جسمی، ترس، خشم، غم و اندوه همبستگی دارد و هر چه شدت آلکسیثیمیا افزایش یابد، میزان ابتلا به این مشکلات جسمی و هیجانی هم بیشتر می‌شود. اما ابتلا به این اختلال با شادی رابطه معکوس دارد، به این معنی که هر چه شدت اختلال در یک فرد بیشتر باشد، شادی کمتری را تجربه می‌کند. ادبیات پژوهشی از این یافته، البته در آزمودنی‌های بزرگسال - چه در جمعیت عادی و چه بالینی - حمایت می‌کنند. در زمینه علایم این اختلال و متغیرهای مرتبط با آن در کودکان و نوجوانان، در جمعیت عسادی و بالینی، بررسی‌های کمی انجام شده است (یلسما و همکاران، ۲۰۰۷). این اختلال در کودکان علایم ویژه خود را دارد؛ برای نمونه کودکانی که از این اختلال رنج می‌برند، بیشتر از دیگر

کودکان از دردهای جسمی (مانند سردرد، درد شکم، احساس خستگی و کوفتگی) شکایت می‌کنند، توانش هیجانی کمتری دارند و حالت‌های خلقی منفی بیشتری را تجربه می‌کنند (ریف، ۲۰۰۶).

یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد دختران بیش از پسران از این اختلال رنج می‌برند. ادبیات پژوهش موجود در این زمینه متناقض است، برای نمونه ریف (۲۰۰۶) در یک بررسی روی ۷۴۰ کودک و نوجوان هلندی به معنی دار بودن تفاوت نمرات دختران و پسران در ابتلا به اختلال‌های خلقی، توانش‌های هیجانی و آلکسیثیمیا اشاره نکرده است، اما در همه این اختلال‌ها، دختران نسبت به پسران میانگین بالاتری دارند. یلسما و همکاران (۲۰۰۷) بر این باورند که میزان شیوع آلکسیثیمیا در پسران بیشتر است. تابلور (۱۳۸۳) نیز بر این باور است که این اختلال در مردان شایع‌تر از زنان است و وخامت بیشتر این اختلال موجب می‌شود فرد هیجان‌های منفی بیشتری را تجربه و بنابراین در آزمون‌های اضطراب، افسردگی و روان‌رنجوری نمرات بالاتری کسب نماید. با توجه به موارد یادشده، بالاتر بودن میانگین دختران نسبت به پسران در این پژوهش را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: اضطراب و افسردگی در بین زنان و دختران بیشتر است و با توجه به آمادگی زیست‌شناختی آنان در این زمینه، هم‌چنین مراقبت و نگرانی بیشتر مادران درباره دختران - به نسبت پسران - میزان این اختلال در دختران بیشتر از پسران است. نصیری، لطیفیان و جامع‌زرگی (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی نشان دادند که میزان نگرانی و افسردگی در دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر است.

یکی از مهم‌ترین موضوعات در زمینه بررسی آلکسیثیمیا در کودکان و نوجوانان، توان این اختلال در پیش‌بینی اختلال‌های خلقی است. بر پایه ضرایب استاندارد رگرسیون (بتا) به‌دست‌آمده در دختران، پسران و کل آزمودنی‌ها، بهترین پیش‌بین شاخص‌های سلامت هیجانی و شکایت از دردهای جسمی، «نارسایی در تشخیص هیجان‌ها» است. کمترین قدرت پیش‌بینی نیز به خرده‌مقیاس «تفکر معطوف به بیرون» اختصاص دارد. این یافته با یافته‌های ریف و همکاران (۲۰۰۶) که نارسایی در تشخیص و بیان هیجان‌ها و تفکر

ارایه شده برای مقیاس بزرگسالان (پارکر، تایلور و باگی، ۱۹۸۹) در مورد کودکان استفاده کرد.

پایین بودن بار عاملی برخی از گویه‌ها، ناچیز بودن ضریب آلفای کرونباخ یکی از خرده‌مقیاس‌های مقیاس آلکسیتمیا و به کاربردن آزمون‌های خودسنجی از محدودیت‌های مهم پژوهش حاضر بود و بنابراین لازم است این پژوهش با بهره‌گیری از مقیاس‌های اصلاح شده و یا آزمون‌هایی که جنبه خودسنجی نداشته و با روش‌های بالینی مانند مصاحبه و گرفتن شرح حال همراه هستند، تکرار شود. بررسی اثرات افزایش سن و تغییرات رشدی بر متغیرهای بررسی شده در این پژوهش، از دیگر موضوعاتی است که می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده باشد.

منابع

- نایبور، جرسی (۱۳۸۴). *هوش عاطفی در زندگی روزمره*. ترجمه: حبیب‌اله نصیری و اصغر نوری. اصفهان: نشر نوشته.
- نصیری، حبیب‌اله؛ لطیفیان، مرتضی؛ جامع‌بزرگی، محبوبه (۱۳۸۶). *الکسیتیمیا در مدارس ابتدایی بر سلامت عاطفی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی*. کنفرانس دوره ابتدایی، دوره اساسی، شیراز: اردیبهشت، ۱۳۸۶.
- American Psychiatric Association (2000). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (4th. ed.), text revision. Washington, DC: American Psychiatric Association.
- Bagby, R. M., Parker, J. D. A., & Taylor, G. J. (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia Scale-I. Item selection and cross-validation of the factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*, 38, 23-32.
- Fukunishi, I. H., Yoshida, H., & Wogan, J. (1998). Development of the Alexithymia Scale for Children: A preliminary study. *Psychological Reports*, 82, 43-49.
- Haviland, M. G., & Reise, S. P. (1996). A California q-test alexithymia prototype and its relationship to ego-control and ego-resiliency. *Journal of Psychosomatic Research*, 41, 597-608.

معطوف به بیرون را به ترتیب دارای بالاترین توان پیش‌بینی‌کنندگی گزارش نمودند، هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد که خرده‌مقیاس «نارسایی در تشخیص هیجان‌ها» می‌تواند دیگر جنبه‌های این اختلال، مانند مشکل در خودافشاسازی^۱ ناشی از شرم و خجالت^۲ را ارزیابی کند (سوسلو^۳، آرلوت^۴ و دونگز^۵، ۲۰۰۰، به نقل از ریف، ۲۰۰۶). ریف و همکاران (۲۰۰۶)، بر این باورند که همراه با افزایش سن، توان پیش‌بینی‌کنندگی این خرده‌مقیاس کاهش می‌یابد (سطح معنی‌داری پایین می‌آید). بنابراین این خرده‌مقیاس می‌تواند در سنین پایین‌تر عامل افتراقی خوبی برای تشخیص و پیش‌بینی اختلال‌های خلقی ناشی از آلکسیتمیا در کودکان و نوجوانان باشد. پژوهش‌های آینده باید این یافته را به صورت دقیق‌تر بررسی کنند و چرایی آن را بیابند.

پایین بودن توان پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی‌کنندگی خرده‌مقیاس سوم، تفکر معطوف به بیرون، نیز با یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش‌های انجام شده روی بزرگسالان (کویمان^۶، اسپینلیون^۷ و تریجبرگ^۸، ۲۰۰۲؛ لاملی^۹، اویز^{۱۰}، استنر^{۱۱}، وهمر^{۱۲} و لیکی^{۱۳}، ۱۹۹۶) هم‌سواست. در تبیین این مورد، ریف و همکاران (۲۰۰۶) به گویه‌های این خرده‌مقیاس اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده ناتوانی در تجزیه و تحلیل هیجان‌ها و رهاسازی آن‌ها به صورت تحلیل نشده است. این حالت را می‌توان به انتخاب شیوه‌های نامناسب انطباق و سازگاری در بیماران مبتلا به آلکسیتمیای شدید اسناد داد. البته این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که پرسش مستقیم درباره احساسات دیگران موجب نگرش منفی و موضع دفاعی می‌شود. به هر حال ریف و همکاران (همان‌جا) بر این باورند که بار منفی سه گویه از گویه‌های این خرده‌مقیاس می‌تواند نگرش منفی در افراد ایجاد نماید و به همین دلیل این عامل نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده خوب شاخص‌های سلامت هیجانی باشد.

با توجه به در دست نبودن و عدم گزارش نقطه برش^{۱۴} توسط سازندگان مقیاس، نمی‌توان راجع به میزان شیوع این اختلال در نمونه بررسی شده پژوهش حاضر نتیجه واضحی بیان کرد. هم‌چنین به دلیل تفاوت سنی نمی‌توان از نقاط برش

- | | |
|---------------------|------------------|
| 1- self- disclosure | 2- shame |
| 3- Suslow | 4- Arlot |
| 5- Donges | 6- Kooiman |
| 7- Spinlioven | 8- Trijsburg |
| 9- Lumley | 10- Ovies |
| 11- Stettner | 12- Wehmer |
| 13- Lakey | 14- cutoff point |

- Kooiman, C. G., Spinlioven, P., & Trijsburg, R. W. (2002). The assessment of alexithymia: A critical review of the literature and a psychometric study of the Toronto Alexithymia Scale, TAS-20. *Journal of Psychosomatic Research, 53*, 1083-1090.
- Krystal, J. H., Giller, E. L., & Cicchetti, D. V. (1986). Assessment of alexithymia in posttraumatic stress disorder and somatic illness: Introduction of a reliable measure. *Psychosomatic Medicine, 49*, 84-94.
- Lumley, M. A., Oviess, T., Stettner, L., Wehmer, F., & Lakey, B. (1996). Alexithymia, social support and health problems. *Journal of Psychosomatic Research, 41*, 519-530.
- Parker, J. D. A., Taylor, G. J., & Bagby, R. M. (1989). Alexithymia: Relationship with ego defense and coping styles. *Comparative Psychiatry, 39*, 91-99.
- Rieffe, C., Meerum Terwogt, M., & Bosch, J. D. (2004). Emotional Awareness and Somatic Complaints in Children. *European Journal of Developmental Psychology, 1* (1), 31-47.
- Rieffe, C., Oosterveld, P., & Meerum, M. (2006). An alexithymia Questionnaire for Children: Factorial and Concurrent Validation Results. *Personality and Individual Differences, 40*, 123-133.
- Taylor, G. J. (2000). Recent developments in alexithymia theory and research. *Canadian Journal of Psychiatry, 45*, 134-142.
- Yelsma, P., Way, I., Van Mete, A. M., Black-Pond, C. (2007). *Understanding alexithymia and language skills in children: Implications for assessment and intervention*. Washington: American Speech-Language-Hearing Association.

